

ادامه از صفحه اول

بیمه‌ها در آینه عبرت تاریخ

همین امر موجب می‌شود که نمایندگان مجلس در موارد متعددی از طریق تبصره‌های بودجه سالانه، این وزارت را ملزم به ارائه گزارش درباره نحوه مصرف اعتبارات بیمه درمان تأمین اجتماعی کنند. در سال ۱۳۶۷ نمایندگان تبصره‌ای به بودجه افزودند که وزارت بهداشت را به صورت کاملا مشخص ناگزیر به پرداخت پول تأمین خدمات درمانی مشمولین قانون تأمین اجتماعی کنند. اما این امر کافی نبود تا در نهایت در سال ۱۳۶۸ در تبصره‌های بودجه با شفافیت نحوه مصرف این وجوه و پاسخ‌گویی وزارت بهداشت آورده شود. نکته جالب اینکه برخی نمایندگان مجلس آن زمان نیز به‌وضوح معترض عدم هزینه پول بیمه درمان در محل خود بوده‌اند. برای مثال حسین کمالی در اسفندماه سال ۱۳۶۷ در نقد مدیریت وزارت بهداشت به بیمه‌ها می‌گوید: «در سطح بین‌الملل وقتی که فردی بیمه می‌شود پول می‌پردازد تا در مقابل پرداخت پولش درمان دریافت کند. در ایران متأسفانه این واژه‌ها را ما به ابتدال کشانده‌ایم؛ واژه بیمه در کشور ما به ابتدال کشیده شده؛ کسانی‌که نمی‌توانند تشخیص بدهند که مفهوم بیمه چیست و ارزش بیمه چیست، سکان‌دار این کشتی شده‌اند. اظهار می‌دارند که ما می‌خواهیم وضع درمان کشور را درست بکنیم. وضعیت درمان کشور از آن چیزی که امروز هست بدتر نخواهد شد! من این را تضمین می‌دهم. دیگر بدتر از این مگر داریم؛ بالاتر از سباهی رنگی هست؟». در آن زمان دکتر جزایری، معاون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، نیز بر این امر صحه می‌گذارد. ۲۸ سال پس از الحاق بیمه‌ها به وزارت بهداشت و با تصویب لایحه ساختار جامع رفاه اجتماعی کشور با بازگشت بیمه‌ها به وزارت رفاه عدم ارتباط قلمرو بیمه‌های درمان و تأمین اجتماعی با وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مورد تاکید قرار می‌گیرد. نکته درخور توجه اینکه در آن زمان نیز وزارت بهداشت از جداشتن بیمه‌ها ناراضی بود. واقعیت این است که یک تهدید جدی برای نظام رفاهی نوپای کشور بخشی‌نگری و ازبین‌بردن یکپارچگی و انسجام این نظام است. براین‌اساس ضروری است درخصوص موضوع تجمیع بیمه‌ها همه ابعاد موضوع و سیر تاریخی تولی‌گری بیمه‌ها و تبعات آن بررسی شود تا به تعبیر یکی از اقتصاددانان کشور «تصمیمی اتخاذ نشود که فقط ساختارهای موجود را در مدت کوتاهی درهم بریزد و وضع موجود را به آشوب و درهم‌ریزی کارکردی گرفتار کند».

مهتاب قلی‌زاده؛ هشدارهای دو وزیر اقتصادی کابینه؛ یکی نسبت به بازگشت تورم و آن دیگری نسبت به تأمین‌نشدن اعتبار عمرانی بودجه امسال. شاید کارد به استخوان رسیده که اینها نگران شده‌اند؛ شاید هم تنها هشار است. هرچه باشد، نگرانی‌هایی وجود دارد. علی‌طیبنیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی گفته باید از بازگشت تورم پیشگیری کنیم؛ چراکه به «هسته سخت تورم» رسیده‌ایم و مبارزه با آن دشوار شده است. آن دیگری، یعنی عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی گفته امسال ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار داشتیم، اما کل بودجه عمرانی ۵۷ هزار میلیارد تومان بود؛ یعنی ۲۰ درصد کل بودجه که این به شکل اسمی بود؛ اما در شکل واقعی با احتساب اوراق و همه اسناد و تعهدات آتی حداکثر ۲۵ هزار میلیارد تومان شامل ۹ درصد است. این روند سال آینده تضعیف می‌شود، سال آینده ۴۰ هزار میلیارد تومان به شکل اسمی است که معلوم نیست این بودجه عمرانی چند درصد اختصاص پیدا می‌کند. گویی نگرانی‌های اقتصاددانان درباره رشد افسارگسیخته نقدینگی و رکود، در حال تحقق است. به‌هرروی امسال، آخرین سال دولت تدبیر و امید است؛ از آنجایی که براساس سنتی قدیمی در دولت‌های ایران، در سال‌های منتهی به انتخابات، هر سخنی، از افراد لایه‌های بالای مدیریتی، می‌تواند رنگ‌بویی سیاسی به خود بگیرد، بسیاری از آنها، سخت سخن می‌گویند؛ این دو اظهار نظر از دو فرد در سطح وزارت، شاید بتواند گمانه‌های نگرانی درباره اقتصاد کشور را جدی کند. «شرق» در جست‌وجوی معنای «هسته سخت تورم» با اقتصاددانانی مانند بهروز‌های‌زنوز، پویا جبل‌عالمی و حمیدرضا برادران شرکا تماس گرفت؛ اما هیچ‌یک از آنها معنای این عبارت را نمی‌دانستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌فرحبخش رابرت گوردن، استاد اقتصاد دانشگاه نورث استرن، سال ۱۹۷۵ میلادی برای نخستین‌بار مفهوم هسته تورم را به ادبیات اقتصادی وارد کرد. در این تعریف برای نخستین‌بار سعی شد نقش عوامل موقتی و زودگذر از عوامل اصلی و بنیادی ایجادکننده تورم جدا شود. به‌این‌ترتیب نرخ تورم به دو جزء موقتی (پوسته) و جزء دائمی (هسته) تفکیک شد. این تفکیک از آنجا اهمیت دارد که با لحاظ آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب می‌توان به کنترل تورم کمک کرد.

«مسعود نیلی»، مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهوری هم از این عبارت استفاده کرد. او با بیان اینکه تورم به هسته سخت و رشد اقتصادی به پوسته



سخت خود رسیده است، گفته بود: «شوک افت قیمت نفت، ضربه بزرگی به درآمد دولت در سال ۱۳۹۴ زده است».

حالا هرچه که باشد وزیر اقتصاد به تحمیل جنگ کاهش قیمت به کشور از سوی عربستان اشاره کرده که ضرر زیادی برای ایران به بار آورد؛ چراکه آنها می‌خواستند مقاومت ایران را بشکنند؛ به گفته او باید از برگشت تورم پیشگیری شود؛ چراکه به هسته سخت تورم رسیده‌ایم و مبارزه با آن دشوار شده است. طبی‌نیا گفته دنبال کاهش تورم از هشت درصد نبودیم؛ چراکه ممکن است تبعات سنگینی برای اقتصاد کشور ایجاد کند.

به گفته او کاهش قیمت نفت در ایران منجر به دو نتیجه تشدید تورم و کاهش نرخ تولید شد؛ به‌طوری‌که در آن زمان می‌شد از ذخایر ارزی در خارج از کشور برای مدیریت این مشکل استفاده یا نفت را پیش‌فروش کرد. درحال‌حاضر، روی کاغذ صد میلیارد دلار ذخایر ارزی در خارج از کشور داریم؛ این در حالی‌است که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، اوراق قرضه را در بازارهای بین‌المللی منتشر کرده و کسب درآمد دارند؛ اما این امکان برای ایران وجود نداشت.

«شرق» در یک تماس تلفنی، با حمیدرضا برادران شرکا، رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت‌وگو کرده است. آنچه در پی می‌آید، واکاوی نگرانی‌های دو وزیر و راهکارهای بهبود اقتصاد ایران در گفت‌وگو با برادران‌شرکاست.

۴ وزیر اقتصاد اعلام کرده است که «به هسته

اقتصاد

آخوندی از محقق‌نشدن بودجه عمرانی و وزیر اقتصاد از رسیدن به هسته سخت تورم خبر دادند

هشدارهای ۲ وزیر



سخت‌تورم» رسیده‌ایم و باید از بازگشت تورم پیشگیری کنیم؛ پرسش این است که «هسته سخت تورم» به چه نقطه‌ای از اقتصاد گفته می‌شود؟ اصلا چه معنایی دارد؟

والا من هم نمی‌دانم؛ باید از خودشان پرسید. **۴ اما اینکه وزیر اقتصاد تلویحا درباره جهش تورمی هشدار داده است، بیش از هرچه به کدام موضوع می‌تواند ارتباط داشته باشد؟**

به گمان من نمی‌تواند موضوعی جز نقدینگی هزار هزار میلیاردتومانی باشد.

۴ **خب: اقتصاد ایران اکنون با معضل «پارادوکس نقدینگی» هم دست و پنجه نرم می‌کند. تاکنون با وجود رشد این نقدینگی، نه تورم رشد چشمگیری داشته و نه موضوع رکود بهبود پیدا کرده است؛ درست‌است که نرخ رشد اقتصادی شش ماه نخست سال، بیش از هفت درصد اعلام می‌شود، اما همه می‌دانیم که این رشد موهون بخش نفت است. به گمان من، این نگرانی وجود دارد که اگر این حجم نقدینگی که امروز در اقتصاد وجود دارد، سرازیر و تبدیل به تقاضا شود و دولت برای این تقاضا، پاسخ مناسب نداشته باشد، خود به خود آثار تورمی مهمی به‌وجود می‌آورد. تاکنون دولت نتوانسته است با قفل‌کردن منابع، بورس‌بازی‌های موجود، واردات کالا و از قبیل اینها تورم را کنترل کند. این دقیقا مانند این است که گفته شود تقاضا «سرکوب» شده است؛ اما اگر شرایطی به‌وجود آید که تقاضا آزاد شود و این حجم نقدینگی به تقاضا تبدیل شود، امکان بازگشت تورم بسیار آسان امکان‌پذیر است. نگرانی آقای وزیر هم احتمالا از همین منظر است. به‌هرحال هرچه باشد ما نمی‌توانیم فکر ایشان را بخوانیم و در نهایت بهترین فرد برای پاسخ‌گویی خودشان هستند.**

۴ **خب: به‌هرحال شما هم اقتصاددان هستید و هم در لایه‌های بالای مدیریت اقتصاد کشور حضور داشته‌اید حتما تحلیلی از این شرایط دارید؛ به نظر شما تیم اقتصادی کابینه، چطور می‌تواند از نرخ تورم مراقبت و آن را کنترل کند؟**

ببینید؛ به‌هرحال ابزارهایی در اختیار سیاست‌گذار پولی کشور است که می‌تواند با آنها این ماجرا را مدیریت کند. ابزارهای مربوط به ذخیره قانونی بانک‌ها؛ نرخ سود بانکی؛ حجم پول در گردش؛ هدایت منابع به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد؛ تشویق تولید داخلی؛ ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار و ابزارهایی از این دست. واقعیت این است که ابزارهای زیادی وجود دارد که مجموعه سیاست‌گذاران کشور، با آن می‌توانند اعمال سیاست کنند.

۴ **پس دولت باید به نوعی سیاست‌های انقباض پولی در پیش بگیرد؟**

هم سیاست‌های انقباضی است و هم موضوع Targeting یا همان هدف‌گذاری اقتصادی است. در اقتصاد کلان بحثی به‌عنوان Target inflation یا هدف‌گذاری نرخ تورم وجود دارد؛ یعنی سیاست‌گذار اقتصادی، نرخ تورم را هدف‌گذاری می‌کند و سپس بانک مرکزی و مجموعه سیاست‌گذاران پولی کشور متعهد می‌شوند که از همه ابزارها استفاده کنند تا آن هدف اعلام‌شده را محقق کنند. اگر این‌چنین باشد و مردم هم به این هدف اعتماد کنند، به این مفهوم است که هدف می‌تواند محقق شود. پس دو شرط برای تحقق این هدف لازم است؛ نخست اینکه سیاست‌گذار پولی در زمان مناسب، پیش از آنکه عاملان اقتصادی، تصمیم‌های مهم‌شان را گرفته باشند، هدف‌گذاری‌اش را اعلام کند. دوم اینکه مردم به سخن مسئولان پولی کشور باور و اعتماد داشته باشند؛ یعنی وقتی مسئولان اعلام می‌کنند «هدف‌گذاری نرخ تورم» هشت درصد است، در هیچ شرایطی اجازه نمی‌دهند این هشت درصد بیشتر شود. با این دو پیش‌شرط می‌توان امید داشت که اهداف دولت‌مردان محقق می‌شود.

۴ **خب؛ به نظر شما اکنون می‌توان امید داشت؟ واقعیت این است که سخت است؛ اما ناممکن نیست. کشورهایی هستند که این تجربه را پشت سر گذاشته‌اند و تعدادشان هم کم نیست. حدود ۵۰ کشور در جهان توانسته‌اند از هدف‌گذاری نرخ تورم، در راستای بهبود اهداف اقتصادی‌شان بهره ببرند.**

۴ **هم‌زمان با هشداری که وزیر اقتصاد درباره تورم می‌دهد، آقای وزیر راه درباره محقق‌نشدن بودجه عمرانی، هشدار می‌دهد. پرسش این است که این دو هشداری که دو وزیر اقتصادی کابینه در یک**

روز می‌دهند، تا چه حد می‌تواند اوضاع اقتصادی را نگران‌کننده توصیف کند؟ ضمن اینکه سال آخر دولت یازدهم و درواقع در سال انتخابات هستیم. این چطور می‌تواند اقتصاد سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار دهد؟

این بستگی به این دارد که مردم، عاملان اقتصادی و کسانی که برای خودشان تصمیم‌گیری اقتصادی می‌کنند، تا چه اندازه به این نکات توجه می‌کنند. این موضوع بسیار مهم است؛ چراکه در کشورهای پیشرفته، هریک از سخنانی که مسئولان می‌گویند، به‌راستی بر تصمیم‌گیری افراد اثر می‌گذارد. برای نمونه در کشورهای توسعه‌یافته اعلام چنین مواضعی آن هم از زبان دو وزیر، به‌سرعت تأثیرش را در بورس نشان می‌دهد؛ هرچند در کشور ما حساسیت به این نوع سخنان برای تصمیم‌گیری پایین‌تر است.

نکته دیگر این است که نباید فراموش کرد زمانی که سخن از بودجه گفته می‌شود، نباید بزرگ‌شدن دولت را نادیده گرفت؛ یعنی در حقیقت یک دولت بزرگ را نمی‌توان کنترل کرد که حجم بزرگ منابع را صرف بودجه جاری خودش می‌کند. درباره بودجه جاری هم تا سخنی گفته شود، همه اعلام می‌کنند موضوعی اجتناب‌ناپذیر است. حقوق کارمند و بازنشسته و... را که نمی‌توان پرداخت نکرد...

۴ **به این پرداخت حقوق‌ها باید پرداخت‌های مربوط به هدفمندی یارانه‌ها را هم افزود؛ زیرا حتی آقای وزیر صنعت هم چندی پیش در یک گفت‌وگو اعلام کردند که دولت به خاطر پرداخت‌های هدفمندی یارانه‌ها بخشی از اعتبارات وزارت صنعت را ن داده است...**

دربراس هدفمندی یارانه‌ها باید دقت کنید که روزی یک رئیس دولتی وعده‌اش را داده و اکنون هم که قانون است. گذشته از اینها، امروز این موضوع، بحث عموم مردم است؛ موضوعی که برای بسیاری حتی حیاتی است. دولت هم نتوانسته مکانیسمی پیدا کند که این پرداخت‌ها را آن‌چنان که از نامش هم برمی‌آید، به‌راستی هدفمند کند. خب؛ زمانی که این پول به همه پرداخت می‌شود، دیگر هدفمند نیست. هدفمند یعنی گروه‌هایی را هدف قرار دهید و تنها به آنها تیرپرازدید. خب؛ به‌هرحال امسال هم سال انتخابات است. کدام رئیس‌جمهوری موقع انتخابات می‌گوید من یارانه‌ها را قطع می‌کنم؟

۴ **اما فقط امسال که نیست؛ سه سال برای عملی‌کردن «هدفمندی» واقعی یارانه‌ها زمان داشته‌اند. اتفاقا این موضوع از شعارهای انتخاباتی آقای روحانی بود.**

مسئله این است که آیا می‌خواهیم مسائل را حل کنیم یا خیر؟ اراده برای حل مسائل یک بحث است و راهکارها بحثی دیگر. باید نخست اراده‌ای به وجود بیاید که آن اراده راهکارهای مناسبی برای حل مشکلات اقتصادی بیاید. آن اراده به شکل جدی باید وجود ندارد. می‌خواهم بگویم شرایط کشور به‌گونه‌ای شده که اساسا دچار «روزمرگی» شده‌ایم. اکنون همه افرادی که مسئولیت دارند، فکرشان این است که روزشان را به سرانجام برسانند و فردا هم خدا بزرگ است. این سیستم دچار روزمرگی شده است. اکنون باید این مشکلات را بپذیریم و بعد دنبال راه‌حل‌های اصولی باشیم. همه اینها مستلزم این است که در درجه نخست، یک اراده قوی برای حل مشکلات داشته باشیم و در درجه دوم اعتماد و استفاده از نقطه‌نظرات کارشناسی که جای اینها کم است.

۴ **آقای آخوندی گفته امسال ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار داشتیم؛ اما کل بودجه عمرانی ۵۷ هزار میلیارد تومان بود؛ یعنی ۲۰ درصد کل بودجه اسمی؛ اما در شکل واقعی با احتساب اوراق و همه اسناد و تعهدات آتی حداکثر ۲۵ هزار میلیارد تومان، یعنی ۹ درصد تحقق پیدا کرده است. خب؛ این اعداد و این نوع تخصیص اعتبار تا چه اندازه با شعار «خروج از رکود» در یک طرف می‌گنجد؟**

تا زمانی که نتوانیم دولت را کوچک کنیم و هزینه‌ها را کاهش دهیم، طبیعی است که اولویت با پرداخت‌های جاری است، نه عمرانی. اگر بخواهیم این ماجرا را ریشه‌ای حل کنیم، لازم است دولت را کوچک و کارآمد کنیم. تا زمانی که این اتفاق‌ها نیفتاده است، کار امروز دولت اجتناب‌ناپذیر است.

۴ **خب با توجه به اینکه در سال پایانی دولت تدبیر و امید هستیم، ارزیابی شما از عملکرد اقتصادی دولت چیست؟**

بارها اعلام کرده‌ام که ارزیابی ما زمانی امکان‌پذیر است که گزارش‌های اقتصادی دقیقی در اختیار کارشناس قرار بگیرد.

۴ **خب اکنون نرخ رشد اقتصادی بیش از ۹ درصد و نرخ تورم حدود هشت درصد اعلام شده است. میزان نقدینگی و نرخ بی‌کاری و... مشخص است.... نرخ رشد و تورم و... طبیعی است. من به‌راستی از آتهایی که در این داده‌ها تردید می‌کنند، تعجب می‌کنم؛ چراکه در دوران پسابرجام، جهش نرخ رشد و کنترل تورم، طبیعی به نظر می‌رسید؛ چراکه ظرفیت‌های اقتصاد ایران بسیار خالی مانده بود. نکته بسیار مهم‌تر این است که در ادبیات اقتصادی، رشد یک‌ساله و چندماهه ملاک نیست؛ بلکه رشد بلندمدت است که ملاک قرار می‌گیرد.**

بورس

شاخص منفی تالار شیشه‌ای در آخرین روز پاییز



مهران کاویانی جویباری تحلیلگر بازار سرمایه

● روز سه‌شنبه تالار شیشه‌ای با کاهش همراه بود. در آخرین روز معاملاتی فصل پاییز شاخص بورس کاهش یافت و سقوط ۲۹۰ واحدی را تجربه کرد و فقط توانست بالای کانال ۸۰هزار واحدی توقف کند. نمادهای اخبار، فملی، خودرو، شینا و کچاد بیشترین اثر منفی را بر شاخص داشتند و از سمت دیگر، نماد پارسان بیشترین اثر مثبت را بر شاخص گذاشت. ارزش معاملات حدود ۲۰۵ میلیارد تومان بوده است که نشان از روند متعادل بورس دارد.

وضعیت در فرابورس به شکلی دیگر بود و شاخص با رشد ۱۰۲واحدی همراه شد. در معاملات فرابورس نمادهای شاوران، ذوب، دماوند و ارفع بیشترین اثر منفی را بر شاخص داشتند، اما از سوی دیگر نمادهای مارون و هرمز بیشترین اثر مثبت بر شاخص را گذاشتند. ارزش معاملات در این بازار تعریفی نداشت و حدود ۱۳۷ میلیارد تومان بوده است. وضعیت قیمت نفت در بازارهای جهانی، همچنان بی‌ثبات بوده و درگیر فرایند زمان بر اثر کاهش عرضه گروه نفتی اوپک است. همین امر منجر به کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، به تبع گزارش‌های منتشره از موجودی نفت در انبارهای جهانی شده است. با توجه به کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، اثر مستقیم آن بر شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی در بازار دیده می‌شود. وضعیت در گروه فلزات اساسی هم به شکلی مشابه پیگیری شد. بیشترین کاهش در این گروه مربوط به فلز مس و روی بوده است که پس از افزایش ناگهانی قیمتی که داشتند و رالی ایجادشده در تقاضا، به ثباتی نسبی رسیدند و در حال‌حاضر با کاهش قیمت روبرو هستند. پیش‌بینی‌های میان‌مدت و بلندمدت برای این دو فلز، مثبت بوده که دلیل اصلی آن پیشی‌گرفتن تقاضا از عرضه است. نمادهای مربوط به تولید شمش، فولاد و سنگ آهنی با کاهش همراه شدند که پس از رشد شدید قیمتی که داشتند، در حال‌حاضر در ثباتی نسبی به سر می‌برند. با توجه به برنامه اژدهای زرد برای سال میلادی پیش‌رو، شاهد تقاضای مناسب برای فولاد هستیم. با توجه به نوسانات شدید در گروه فلزات اساسی باید سیاست‌های کلان کشورهای چین، هند، آمریکا و... و شاخص کلیدی آنها را بررسی کرد که همین عوامل روند تغییر در قیمت محصولات و روند سودآوری شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. نکته آخر درباره بحث نمادهای بانکی و بازگشایی آنهاست که در صورت بازگشایی آنها، شوکی به بازار سرمایه وارد می‌شود و پس از آن می‌توان تغییر جهت حرکتی شاخص را برآورد کرد. در شرایط حال حاضر و گزارش‌های ارائه‌شده در شرکت‌ها، وضعیت بنیادی در شرکت‌ها می‌تواند بهبود پیدا کند، اما این امر در شرایطی است که اثر شرکت‌هایی که بر مبنای کامودیتی هستند بر شاخص درخور توجه است و شاهد ثبات در قیمت‌ها نیستیم.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۸۰۱۲۲٫۷	۳۷،۲۹۰+
شاخص قیمت	۲۸۱۹۲	۲۰،۱۰۲+
شاخص کل (مهورن)	۱۵۷۲۰٫۲	۵۵۰-۹۵۵۰
شاخص قیمت (مهورن)	۱۲۵۱۴٫۲	۶۰،۷۶۱-
آر.آر.شاور	۸۸۶۴۶٫۷	۱،۰۳۳۷۱-۳۷۱
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۵۷٫۴	۵۰-۱۲۵۰

ارز و طلا

دلار در آستانه ۴هزار تومان

● شرق؛ طلای جهانی هر روز ارزان‌تر می‌شود و قیمت دلار در ایران رو به بالا حرکت می‌کند. اونس جهانی طلا دیروز و در ساعت نگارش این خبر، به زیر هزار و ۱۳۰ دلار افتاد. این افت در معاملات بازار طلای تهران به هیچ عنوان مشاهده نشد؛ زیرا دلار که بی‌وقفه به بالا می‌جهد، مانع از نوسان همسان این بازار با بازار جهانی می‌شود. به گزارش ایسنا، لیر ترکیه پس از اینکه سفیر روسیه در آتکارا به قتل رسید، روز دوشنبه به رکورد پایین جدیدی در برابر دلار آمریکا سقوط کرد. نرخ برابری لیر ترکیه در برابر دلار آمریکا حدود ۰٫۶ درصد افت کرد و به ۳٫۵۲۶ لیر در برابر دلار رسید.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۹۶۷	۲۷+
یورو	۴۳۳۸	۱۳-
پوند	۴۹۲۴	۱۸+
درهم	۱۱۰۸	۱۰+

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱۰۱۲۰۰۰۰۰	-
طرح جدید	۱۰۱۳۹۰۹۰۰	۲۲۰۰+
نیم	۵۹۹۰۰۰۰	۱۰۰۰+
ربع	۳۱۸۰۰۰۰	-
گرمی	۱۹۷۰۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۱۱۲۰۴۱۱	۷۰+
اونس (دلار)	۱۱۲۸۲	۱۱،۸-



بیمه زندگی مان

پیشخوان تخصصی خدمت بیمه زندگی مان

تلفن: ۰ ۹ ۶ ۶ ۸

maan.life



بیمه ایران